

خیزش و خروش مردمان، آنجا که فرشید (فرهاد) زنده است

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران ۱۶ آبان ۱۳۸۸

در پنجمین سالگرد فقدان رفیق مبارز فرشید شریعت (فرهاد) ضمن گرامی داشت یاد و خاطره وی برسر پیمان با اودر ادامه راهش و تداوم مبارزه پای می فشاریم.



خیزش و خروش مردمان، آنجا که فرشید (فرهاد) زنده است امروز گرد هم آمدہایم تا یاد رفیقی را گرامی بداریم که عروج انسان، ستیز و پویش برای یافتن جایگاه شایسته انسانی را تا هنگام مرگ وفادار ماند. پنج سال پیش رفیق فرشید پیکارگرجنبیش آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم از میان ما رفت. رفیقی که در مبارزه برای تحقق آرزو و آرمان‌های مردمان اردوی رنج و کار، سخت کوش بود و خستگی نمی‌شناخت. او خسته نشد، خفت تسلیم را نپذیرفت تا آخر ایستاد، بالبهایی بهم فشرده ودلی که مرگ را خوار می‌شمرد.

جان شیفته‌اش روشنگر و افساگر وضع زندگی انسان در جامعه کنونی ایران بود. مدافع پیگیر آزادی و مسئولانه زیستن نسبت به درد و رنج مردم، کردار و گفتارش تبلور آموخته‌هایی از ژرفایی تجربه مبارزه و مقاومت وهمچنین صبوری رفیقانه، همدلی، همبستگی و وحدت. بی‌گمان هرگز صمیمیت، صداقت، فروتنی و تعهد او را فراموش نخواهیم کرد.

افزون براین همه فقدان رفیق فرهاد امروز برای همه مارنجبارتر است. رنجبار از این رو که او کنار ما نیست تا آن چه را که خود نیز نوید می‌داد و آرزو می‌کرد، شاهد باشد. شاهد این که در واپسین روزهای بهار امسال خیزش و خروش جسورانه و تحسین برانگیز مردم سرزمین ما برای آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی، بهاری شکوفا و ماندگار آفرید. بهاری که طراوت، زایش و شادابی و توان دگرگون سازی آن، زمانهای نو را نوید می‌دهد.

انبوه میلیونی مردمان به خیابان‌ها آمدند تا به سی سال بی حقوقی و خشم فروخورده و انباشته شده و تحقیر و فلاکت و تباھی روزافزون نقطه پایان بگذارند. انفجارخشم، نارضایتی و رویگردانی گسترده مردم از ژریمی که ۳۰ سال زندگی، کار، حال و آینده آنان را بازیچه بی دادگری، ستمها و خودکامگی‌های خود قرارداده، چنان توفنده بود که بنیادهای رژیم را آماج خود قرار داد.

چه بسیار لاله و شقاچیق بر سینه مردمان شکفته شد. ندaha و سهراپها و ... برخاستن خورشید را از خاکی که به زعم برخی سرد می‌نمود، مژده دادند. سروها قدبرافراشتند و تذروها نغمه خوان شدند. جنبش حق‌طلبانه و آزادیخواهانه مردم ایران چه توانا و پر طیش نقاب از چهره شیخ و اعاظ برداشت و لرزه بر اندام حکام شرع، دین و بیت ولایت انداخت. فقیهان و ولایت مدار را بر آن داشت که تا در مقابل عظمت این جنبش اعتراضی، به حیله اشک بر چشم بیاورند. خیزش و مقاومت دلیرانه زنان، مردان و جوانان، کارگران و زحمتکشان، دانشجویان، معلمان، نویسندهان، ملیت‌های مختلف ایرانی و ... رنگین کمان شکوهمندی آفرید. جنبشی که در پی تغییر این نظام و برچیدن بساط این رژیم ضد انسانی است. در چنین خیزش و خروشی جسورانه و در تپیدن و حیات آن، فرشید (فرهاد) زنده است و جاری. چرا که خود اینگونه گفت، نوشت و زیست. امید، شور و رؤیا و آرمان او اینگونه بود. آزادی و کرامت انسانی را پاس داشت و می‌دانست که «انسان، دشواری وظیفه است». خیزش

دلیرانه مردم بیش از پیش ماهیت ضد مردمی و ضد دمکراتیک حکومت اسلامی را در مقابل چشمان میلیون ها نفر از مردم و در مقابل چشم جهانیان عربیان ساخت. مردم با رسانه‌های صدا فریاد «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر جمهوری اسلامی» سردادند و برچیدن بساط دیکتاتوری مذهبی حاکم را فریاد کردند. اینگونه است که با گسترش و تقویت مبارزات صنفی، اجتماعی و سیاسی، مردم سرزمین ما با گام‌های خود در خیابان، در محلات؛ در محل کار و کارخانه و کارگاه، در شهر و روستا، در مدرسه و دانشگاه، برچیدن بساط استبداد مذهبی را رقم می‌زنند. و این چنین فرشید (فرهاد) در اندیشه و کردار مردمان برای پی‌افکندن دنیای نو، زنده و جاری است.

اما با این همه، دریغ و افسوس که فرشید با چنان شور و توان و احساس، چنین نا به هنگام از میان مارفت. ما فقدان و دوری رفیق فرشید را در این پنج سال اینگونه تاب آورده‌ایم. چرا که او نیز خود چنین خیزش و شکفتنهایی را نوید می‌داد و آرزو می‌کرد.

پذیرش مسئولیت‌های مختلف و تلاش‌های همه جانبی و مجدانه رفیق فرشید از تحریریه تا پیگیری رویدادها و مشکلات کارگری، زنان و دانشجویان، خود بیانگر گستره کوشش‌ها و حساسیت و تعهد رفیق فرشید بود.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران فقدان رفیق فرشید شریعت را خسروانی برای سازمان و برای جنبش مردمی و دموکراتیک و چپ ترقیخواه ایران می‌داند و یاد رفیق را که همواره همراه و همدل کارگران، زحمتکشان و مردم سرزمین‌مان بوده است، گرامی می‌دارد و ارج می‌نهد.

ما صمیمانه برای همه اعضای خانواده رفیق فرشید و بویژه برای غزال و سیاوش فرزندان رفیق آرزوی بهروزی و نیک بختی داریم. همچنین شخصیت توانای همسر رفیق و بردباری وی را تحسین می‌کنیم.

ما بار دیگر با یار و رفیق دیرین خود پیمان می‌بندیم که در راه آزادی و آرمانهای والای انسانی وی از هیچ تلاشی فروگذار نکنیم

بر پیمان ادامه راهش استواریم ، یادش جاودانه ، راهش پر رهرو